

دوشنبه 24 تیر 1398-12 ذی القعدة 1440-15 جولای 2019

مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285ش)



محاضرات علما و مردم تهران، به قم و آغاز هجرت کبری، در حباب، نهضت مشروطه (1285ش)، در ادامه نهضت مشروطه، پس از آن که خواسته‌های علما و مردم در مورد تاسیس عدالت خانه و اجرای قوانین اسلام و... عملی نشد، علما تصمیم گرفتند که به قم مهاجرت نموده و در حرم حضرت معصومه (س) تحصن کنند. در نهایت در 24 تیر 1285 ش برابر با 23 جمادی الاول 1324، حضرات آیات سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی در رأس یک گروه هزار نفری به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبری را شروع نمودند. همچنین شیخ فضل‌الله نوری، سه روز بعد با فراهم آوردن جمعیت بسیار زیاد، از تهران به قم هجرت نمود. این مهاجرت، موجی از یک قیام در سراسر کشور ایجاد کرد و علمای بزرگ زمان از قبیل آقاجقی اصفهانی و آخوند ملاقرابعلی زنجانی از روحانیون مشهور و منتقد اصفهان و زنجان، به این تحصن پیوسته و روحانیون سایر شهرها با تلگراف‌های متعدد، در انجام خواسته متحصنین قم پافشاری نمودند. در جایی که نهضت در اوج پیروزی قرار داشت و مظفرالدین شاه قاجار هم خواسته رهبران نهضت را پذیرفته بود، به واسطه دست‌های مرموزی که در جریان بود، اولین انحراف نهضت آشکار شد و عده‌ای از مردم، ناآگاهانه به سفارت انگلیس پناهنده شدند و در حیاط سفارت تحصن کردند. تحصن بیش از بیست هزار نفر از مردم در سفارت انگلستان، هرچند در ظاهر به بهانه حفظ جان مردم صورت می‌گرفت ولی در واقع نوعی تعدی از احکام اسلامی بود که استعمار پیر به دنبال آن بود. این انحراف بعدها تا آنجا کشیده شد که شیخ فضل‌الله را که خود، از رهبران مشروطه به شمار می‌رفت، به دلیل مخالفت با مشروطه غیرمشروعه، به جوخه دار سپردند. سرانجام بر اثر فشار متحصنین، مظفرالدین شاه تمامی خواسته‌های آنان را پذیرفت و در 14 مرداد 1285ش، طی فرمانی، ضمن عزل عین‌الدوله، صدر اعظم مستبد خود، دستور برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس شورا را صادر کرد. در نهایت علما و مردم متحصن در قم، ده روز بعد از امضای فرمان مشروطه، با احترام به تهران بازگشتند.

ترور روحانی مجاهد آیت‌الله "سیدعبدالله بهبهانی" یکی از سران اصلی مشروطیت (1289ش)
آیت الله سیدعبدالله بهبهانی در اوایل قرن سیزدهم هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و تحت توجّهات پدر فاضل و مجاهدش، سید اسماعیل مجتهد بهبهانی، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. آقا سیدعبدالله، به زودی در حلقه درس عالم و فقیه بزرگ شیعه، حاج میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ جای گرفت و به سرعت مدارج عالی علمی را پیمود. آیت الله بهبهانی قبل از انقلاب مشروطیت نیز از روحانیان و علمای مشهور ایران به شمار می‌رفت و در امور سیاسی دخالت داشت. وی با آغاز نهضت مشروطه، به صف مبارزان پیوست و با یاری و همکاری آیت الله سیدمحمد طباطبایی، رهبری مشروطه‌ای را به عهده گرفت. آیت الله بهبهانی در رهبری نهضت مشروطه، نقش بسزایی داشت و در این راه، زحمات فراوانی را متحمل شد. وی پس از به توپ بستن مجلس و پس از ضرب و شتم و اهانت به ایشان، به دستور محمدعلی شاه قاجار به کرمانشاه تبعید شد و پس از چند ماه راهی عتبات گردید. آیت الله بهبهانی پس از فتح تهران توسط مشروطه‌ایان، به پایتخت بازگشت و از آن پس نفوذ فوق‌العاده‌ای در مجلس پیدا کرد. میانه‌های دوره که اکثریت مجلس دوم را تشکیل می‌دادند از بهبهانی پیروی می‌کردند که این امر خشم تندروان را برانگیخت و تصمیم به قتل آیت‌الله بهبهانی گرفتند. سرانجام با نقشه تندروها، در 24 تیرماه 1289 ش برابر با نهم رجب 1328 ق، مزدوران به خانه این روحانی مجاهد رفته و با شلیک سه گلوله، وی را به شهادت رساندند. پس از شهادت ایشان، مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. بعدها پیکر آیت الله بهبهانی به شهر نجف منتقل و مدفون گردید. گویند ترور این عالم مجاهد به تحریک "سیدحسن تقی‌الله زاده" بوده است.

رحلت حکیم و زاهد مثاله آیت الله "سید موسی زرآبادی قزوینی" (1313 ش)
آیت‌الله سیدموسی زرآبادی در حدود سال 1256 ش (1294 ق) در قزوین به دنیا آمد. ایشان در قزوین و تهران از محضر حضرات آیات: میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ فضل‌الله نوری و... استفاده کرده و در علوم عقلی و نقلی به استادی رسید. سید موسی در علوم غربیه یکی از استادان مسلم و متبحر بوده است و در مراحل تقوی و تهذیب نفس و سلوک شرعی نیز از نخبگان عصر خود بود، لیکن استادان و مربیان او در این زمینه‌ها شناخته شده نیست. آیت‌الله زرآبادی به همراه میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سه رکن عمده مکتب تفکیک را در سده چهاردهم هجری تشکیل می‌دهند. بر اساس این مکتب که ایشان از بزرگان آن است، ناب ساری و خالص ماندن شناخت‌های قرآنی و فهمیدن این شناخت‌ها و معارف به دور از تاویل و مخلوط شدن با افکار و نیز بر کنار از تفسیر به رای از اهداف آن به شمار می‌رود. آیت‌الله زرآبادی سالیان متمادی به تدریس پرداخت و شاگردان فرهیخته‌ای را پرورش داد که دانشمندان نام‌آور و همچون شیخ مجتبی قزوینی، شیخ علی‌اکبر الیهان تنکابنی، شیخ علی‌اصغر شکرانی و سید ابوالحسن حافظیان مشهدی و شیخ هاشم قزوینی خراسانی و... در محضر او به درجات بالای علمی دست یافتند. هم‌چنین حاشیه برمنظومه سبزواری و حاشیه بر شرح اشارات از جمله تالیفات ایشان است. آیت‌الله زرآبادی سرانجام در بیست و چهارم تیر ماه 1313 ش برابر با دوم ربیع‌الثانی 1353 ق در 59 سالگی به سرای باقی شتافت و در صحن امامزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.

شهادت شاعر و عالم متعهد علامه "سیداسماعیل بلخی" توسط ایادی رژیم افغانستان (1347ش)
علامه سیداسماعیل بلخی در سال 1295 ش (1336ق) در قریه تلخاب از توابع بلخ در شمال افغانستان به دنیا آمد. وی از سنین کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و برای این منظور به ایران و عراق سفر کرد. او در قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد در تیرماه 1314 حضور داشت و آن روزگار شوم و خونین ملت ایران را درک کرد و خود سهم عمده‌ای در قیام داشت. در همین زمان بود که به همراه پدر، درس و بحث را رها نمود و راهی هرات گردید. سید اسماعیل در راه مبارزه با استبداد، آرام و قرار نداشت و مردم مسلمان افغانستان را به مبارزه با حکومت‌های فاسد افغانستان تشویق می‌کرد. از این رو پس از بازگشت به هرات، علیه بیداد و استبداد وقت افغانستان شورید و با ایجاد اولین هسته مقاومت و تشکیل "مجمع اسلام"، با حکومت جور در افتاد. سید اسماعیل با سخنرانی‌ها و خطابه‌های آتشین خود در هرات، دولت سلطنتی افغانستان را رسوا می‌کرد و زنگ بیداری و آزادی‌خواهی را در هر کوی و برزن برای مردم مظلوم افغانستان می‌نواخت. او که در طول دوران مبارزه، بر وحدت بین مسلمانان تأکید داشت، همیشه از طرف دولت حاکم مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفت و نزدیک به پانزده سال از عمر خود را در زندان‌های ستم‌شاهی افغانستان گذراند. سید اسماعیل بلخی پس از آزادی از زندان، در سال 1346ش راهی نجف اشرف گردید و با بزرگانی همچون حضرات آیات سید محسن حکیم، سیدابوالقاسم خویی و علامه امینی و به ویژه حضرت امام خمینی دیدار و گفتگو نمود. وی در بازگشت به افغانستان از ایران عبور کرد و مورد استقبال حوزه‌های علمی قرار گرفت. وی پس از ورود به افغانستان، به مبارزات خود ادامه داد اما این فعالیت‌ها ضلّت حکومت جور، بر حکام ستم پیشه افغانستان گران آمد لذا در صدد از میان برداشتن این مجاهد فی سبیل‌الله برآمدند. در نهایت این عالم مسلمان و مبارز در 24 تیرماه 1347 ش برابر با 18 ربیع‌الثانی 1388 ق در سن 52 سالگی از طریق ترزریق مواد زهرآلود به

دستور ظاهرشاه، پادشاه افغانستان در کابل به شهادت رسید.

درگذشت شاعر گرانقدر ایرانی "ادیب نیشابوری" (1344 ق)

شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری، شاعر ایرانی در سال 1281 ق در نیشابور به دنیا آمد. در سنین کودکی به علت ابتلا به بیماری آبله، یک چشم او نابینا شد ولی با پشتکار و علاقه‌اش فراوان، به تحصیل و فراگیری علم و دانش پرداخت. ادیب، پس از مهارت یافتن در ادبیات عرب و دیگر علوم متداول زمان، به مدت بیش از چهل سال در مدارس مشهد به تدریس پرداخت. ادیب نیشابوری به تدریج شاعری چیره دست و دارای سبکی مخصوص شد. انتخاب الفاظ مناسب و انسجام ترکیبات و معانی دقیق از مزایای شعر اوست. دیوان اشعار ادیب، حاوی اشعار نغز و شیوایی به فارسی و عربی است که در حدود 6 هزار بیت از آن جمع آوری شده است. وی علاوه بر فنون ادبی، از علوم ریاضی، نجوم و فقه و اصول نیز بهره داشت. ادیب نیشابوری سرانجام در 63 سالگی در مشهد درگذشت و در حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

تولد "نیکولا دو مالبرانش" عالم علوم الهی و فیلسوف معروف فرانسوی (1638م)

نیکولا دو مالبرانش، فیلسوف فرانسوی در 15 ژوئیه 1638م در پاریس به دنیا آمد. وی از جوانی به تحصیل فلسفه پرداخت اما چون از بحث‌های پیچیده آن در باب موضوعات مشکوک و نامعلوم مابعدالطبیعی دلش گرفت، به علم الهیات که معلمان آن، برای مشکلاتش جواب قاطع می‌دادند، روی آورد. از این رو به سلك کشیشان درآمد و در صنف خطیبان دینی قرار گرفت. مالبرانش به ظاهر، عقاید آنها را به عنوان حقیقت محض می‌پذیرفت و حال آن که در دل، کاملاً به آنچه مجبور به پذیرفتنش بود، اعتقاد نداشت. وی در 26 سالگی با دکارت آشنا شد و به مدت سه سال به مطالعه آثار این فیلسوف هم‌وطنش پرداخت. مالبرانش پس از خواندن آثار دکارت، از الهیات دست کشید و بار دیگر به فلسفه روی آورد. وی تحت تأثیر دکارت، کتاب جستجوی حقیقت را نگاشت. مالبرانش در این کتاب، مانند دکارت از شک آغاز کرد و به حقیقت ختم نمود. وی بر این عقیده بود: پیش از آن که چیزی را مشاهده کنی بدان ایمان نیاور، اما هنگامی که مشاهدات تو، عقل تو را به سوی حقیقت رهنمون گشت در ایمان، متزلزل مباش. به عبارت دیگر، عقل ما نتیجه معقول مشاهدات حواس ماست، و همین عقل که حاصل مشاهدات حواس است، راهنمای ما بدین حقیقت است که همه مخلوقات در خداوند وحدت می‌یابند. از اینجا معلوم می‌شود که عقل، راهنمای ما به قبول ایمان و ایمان راه وصول و درک خداوند است. مالبرانش هیچ علتی را به جز خدا قبول ندارد و اراده بشر را بی‌فایده می‌داند و می‌گوید هیچ چیز بدون اراده خداوند انجام‌پذیر نیست. او هم‌چنین با اعتقاد به افکار افلاطون، تحت تأثیر وی نیز قرار گرفت. از این جهت او را افلاطونی، مسیحی، می‌نامیدند. مالبرانش یکی از فلاسفه بزرگ فرانسه محسوب می‌شود که قائل به وحدت وجود و منکر ارتباط عقل و ماده بود. نیکولا دو مالبرانش سرانجام در دهم فوریه 1715م در 77 سالگی درگذشت.